

صدوسی انداز فارسی در موسیقی

محمد تقی دانش پژوه

موسیقی و خنیاگری در ایران و محیط اسلامی مانند دو علم سخنوری و بلاغت، کشورداری و سیاست، دارای دوجنبه است: علم، فن. نخستین آندو جنبه از یونان و دومی از ایران است. بحث در آندو علم از موضوع ما بیرون است.

اما موسیقی دوجنبه داشتن آن آشکار است: جنبه علمی آن بایستی از کتابهای یونانی که به عربی درآمده است گرفته شده باشد. زیرا چندین دانشمند یونانی می‌شناسیم که در گذشته در تدوین این علم از آثار آنها بهره برده‌اند، مانند:

۱ - فیثاغورس که رساله الموسیقی از او یاد کرده‌اند و اریستو کسنوس می‌نویسد که او موسیقی را با ریاضی پیوند داده بوده است. در کتابهای موسیقی آرائی هم باو نسبت داده‌اند.
۲ - افلاطون که در کتاب تیمائوس که به عربی درآمده است از موسیقی گفتگو داشته است.
۳ - ارسطو که در المسائل یا پرلمانا و کتاب النفس و کتاب الحیوان و نیز کتاب «تاسیس فویسکا» (Thasis Fusiqa) از موسیقی کاوش نموده است.

۴ - آریستو کسنوس یا ارسطو کسنوس Aristoxenus که در ۳۵۰ میزیسته و شاگرد ارسطو بوده و گویند ۴۵۳ کتاب ساخته است. از آنها تنها «آرمونیکا استوئی‌خیا» مانده است که در زبان فرانسه Element Harmonique میخوانند و به عربی اصول النغم و گویا همان کتاب الریموس (یا کتاب الرئوس) باشد که ابن‌الندیم از آن نام می‌برد و میگوید که در يك مقاله است و این یکی کهن‌ترین کتاب موسیقی شناخته شده است، نیز پاره‌ای از Sur le Rithme او در دست هست. ابن‌ندیم از او ایقاع هم نام می‌برد که آنهم يك مقاله است. به کتاب او نام (بری موسیکن) هم داده‌اند که نام عامی باید باشد. اریستو کسنوس بر خلاف فیثاغورس در موسیقی متکی به تجربه و احساس بوده است این بود که شاگردانش در برابر شاگردان فیثاغورس یا Harmonistes par calcul نام Harmonistes par oreille گرفته بودند.

۵ - مورسطوس Muristus که از «کتاب فی‌الالات المصوتة المسماة بالارغن البوقی والارغن الزمری» و «کتاب آله مصوتة سمع علی ستین میلا» او یاد کرده‌اند.

۶ - اقلیدس که از او «قول اقلیدس علی اللحون وصنعة المعازف ومخارج الحروف» به عربی در دست هست (فهرست فیلمهای دانشگاه تهران ص ۴۴۵). ابن‌الندیم از دو کتاب او یاد میکند.

۱ - کتاب النغم که شاید همان «ایساگوگی آرمونیکی» باشد که میگویند از کلتونیدس است.

۲ - کتاب القانون که همان «کاتاتومی کانونس» باید باشد.

۷ - بولس که از او (عنصر الموسیقی وما افتقرت علیه الفلاسفة من ترکیبه ومائتته) به نقل اسحاق بن حنین در دست هست (فهرست فیلمهای دانشگاه تهران ص ۴۴۵).

۸ - نیکوماخوس اسطاغاریائی جهراسینی Nicomachus Grasenus که از الموسیقی

الکبیر و کتاب النغم او یاد کرده‌اند .
 ۹ - جالینوس که کتاب الصوت داود .
 ۱۰ - ساعاطس که ابن‌الندیم از (کتاب الججل الصیاح) او یاد کرده است . نام او را در کتابهای اروپائی نیافته‌ام .
 ۱۱ - آلپیوس Alpius که از او کتاب Sémeia یاد کرده‌اند .
 از دانشمندان دیگر مانند بطلمیوس و پلوتارخوس دروغین و باکخیوس و تاون (تئون) و تامسطیوس و سمپلیقیوس هم آثاری در دست بوده است . آثار بیشتر این دانشمندان تا نیمه یکم سدهٔ ۴ به عربی درآمده بوده است .
 ابن‌الندیم از «کتاب آله‌الزمر البوقی» و «کتاب آله‌الزمر الریحی» و «کتاب الارغنی» یاد میکند و نمیداند که از کیست .
 نام «کتاب قول الحکماء فی الموسیقی» را در کتابها خوانده‌ام .
 بنگرید به :

- ۱ - الفهرست ابن‌الندیم (فهرست نامها) .
- ۲ - تاریخ الحکماء قفطی (فهرست نامها) .
- ۳ - تاریخ الموسیقی العربیة از فارمر ، ترجمهٔ عربی حسین نصار و عبدالعزیز اهوانی چاپ ۱۹۵۶ مصر (فهرست نامها) .
- ۴ - H.G. Farmer Greek theorists of music in arabic translation. (مجله ایسیس Isis ۱۳/۲ ص ۳۲۵ - ۳۳۳ سال ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰) .
- ۵ - لاروس ده جلدی در آرستوکسنوس .

جنبهٔ هنری و عملی موسیقی اسلامی باید از ایران باشه چه گذشته از موسیقی‌دانهای نخستین آغاز ترقی تمدن اسلامی مانند :

- ۱ - یونس فارسی کاتب مؤلف «کتاب مجرد یونس» و «کتاب القیان» و «کتاب النغم» ،
- ۲ - ابومنصور ابان نوادهٔ یزدگرد ساسانی و پسرش ابوعلی یحیی و پسرش ابوالحسن علی و پسرش ابواحمد یحیی که در زمان مأمون تا متوکل میزیسته‌اند ،
- ۳ - اسحاق بن ابراهیم بن ماهان بن بهمن بن نسک ارجانی موصلی (۱۵۰ - ۲۳۵) مؤلف «الآغانی الکبیر» و جز اینها که باید از لابلائی کتابهای ادب و تاریخ و محاضرات بنام و آثار آنان برخوردار ، به الفاظ و اصطلاحاتی در موسیقی در کتابهای کهن برمیخوریم که به فارسی است . در امثال «الاصطلاحات الموسیقیة» تألیف کاظم به ترکی و ترجمهٔ عربی آن از ابراهیم داقوقی (چاپ ۱۹۴۶ بغداد) و معجم الموسیقی العربیة از حسین علی محفوظ (چاپ ۱۹۶۴ بغداد) این الفاظ گردآوری شده و رویهم‌رفته آنها گواهی است درست که این هنر از ایران و هنرمندان ایرانی گرفته شده است .
 در این موسیقی عامل سومی هم هست که تأثیر آشکاری در آن نموده‌است و آن موسیقی هندی است ، چه حمزهٔ اصفهانی در سنی ملوک‌الارض والانبیاء درس گذشت بهرام گورو یزدگرد شهریار ما را از «جواسنه» و «جوسان» (گوسان) و «اکائل» که در دربار ساسانی بوده‌اند آگاهی میدهد و می‌نویسد که پادشاه هند به درخواست بهرام گور دوازده هزار خنیاگر هندی نزد او فرستاده بود و او آنها را در شهرهای ایران پراکنده ساخته تا مردم از آنها بهره‌برند و آنها همان «زط» هستند که تا زمان یزدگرد شهریار هم بوده‌اند ، همانکه امروز آنها را کولی (کاولی ، کابلی) یا جوکی (پیروان آئین یوگا) میخوانیم (ص ۴۹ و ۵۵ سنی ملوک‌الارض - راهنمای کتاب ۱۱ : ۵ ص ۲۶۹ و ۷۱۱ ص ۴۱۱) .

درطبقات ناصری قاضی منهای سراج (ص ۱۶۲ ج ۱) آمده :
 «واز عجم کس فرستاد و از «رای» سرودگویان هند طلبید . «رای» یک هزار زن و مرد سرودگوی بر بهرام فرستاد .
 گویند لولیان ایران از آن نسلاند .

کلمه «اکائل» که در سنی ملوک الارض والانبیاء دیده میشود شاید جمعی تحریف شده از کلمات (کولی، کاولی، لولی) باشد.

از رساله‌های موسیقی هندی که بنام آنها خواهیم برخورد هم پیداست که از سده هشتم و به ویژه یازدهم دانشمندان ایرانی هندنشین و هندویان فارسی‌زبان به ترجمه رساله‌های موسیقی هندی بفارسی و نقل مطالب آنها در زبان فارسی دست یازیده‌اند و سه عنصر ایرانی رهندي و یونانی در موسیقی متداول میان فارسی‌زبانها دیگر در این کتابها آشکار است.

در موسیقی ایرانی عنصر مغولی نیز بگواهی جامع‌الاحان مراغی تأثیر کرده‌است همچنین عنصر چینی بگواهی سازچینی مراغی چنانکه نوّه او محمود مراغی در مقاصد الادوار نوشته است.

چهار چیز در محیط اسلامی و سرزمین ایران موجب روایی این هنر بوده است
۱ - توده مردم که در سورها و سوگها با آهنگها و آوازهای بومی و تصنیفهای محلی مراسمی را توأم با رقصها و سرودها و موبه‌ها و ترانه‌ها و شعرهای عامیانه اجرا میکردند.

آهنگها و سرودها و ترانه‌ها و تصنیفهایی که اکنون در میان آنان مانده‌است یاد کتابهای تاریخ مانند راحة الصدور و یا در کتابها و رساله‌های موسیقی مانند خاتمه جامع‌الاحان و رساله امیرخان کوبی گرجی و همچنین فلهو باتی که در برخی از کتابهای فنی مانند معیار الاشعار خواجه طوسی و جز اینها می‌بینیم نمونه‌ایست از این سنت پا برجای مردم عادی ایران. و همینها خود یکی از منابع تاریخ تحول موسیقی ورقص در ایران می‌باشد.

۲ - دربارهای پادشاهان و فرمانفرمایان که جایگاه پروردن و برکشیدن موسیقی دانان و موسیقی‌شناسان مانند ثابت بن قره و کندی و فارابی (فهرست فیلمها ص ۳۹۱ و ۴۴۵) و ابن سینا و دیگران بوده‌است. موسیقی در آنجا توأم با رقص اجراء میشده‌است. همچنین آنکه نقاشان و مصوران و نگارگران و مجلدان و قاطعان و شطرنج‌بازان^۱ و ورزشکاران و هنرمندان دیگر هم بدانجا پناه می‌برده و شاهکار هنری خویش را نشان میداده‌اند.

در کتابهای تاریخ و منشآت به نام‌هایی برمیخوریم که فرمانروایان به موسیقی دانان و نوازندگان نوشته‌اند مانند:

۱ - نشان امیر تیمور در سفارش خواجه کمال‌الدین عبدالقادر حافظ مؤلف مقاصد الاحان به مردم سمرقند مورخ ۱ رجب ۸۰۰ (ملک ۸۳۲/۵ گ ۹۱-۹۲ پ به مخط ۸۳۷).

۲ - نشان سلطان شیخ اویس بن حسن ایلکانی جلالیری (۷۵۷-۷۷۷) درباره همو.
(ملک ۸۳۲/۶ گ ۹۲ پ - ۹۳ ر به همان خط).

۳ - نشان سلطان احمد بن شیخ اویس ایلکانی (۷۸۴-۸۱۳) درباره همو مورخ میانه‌های صفر ۷۷۹ (ملک ۸۳۲/۷ گ ۹۳ روپ بهمان خط) چنانکه در دیباچه مقاصد الاحان (ص ۲۳) آمده‌است نسخه‌ای از آن در سپهسالار باید باشد. (نیز دانشمندان آذربایجان ص ۲۵۹).

۱ - غیاث‌الدین منصور دشتکی قواعد شطرنج دارد بفارسی در دو فصل که برای شاه اسماعیل ساخته‌است (ملک ۶۸۸/۱۳ مورخ ۹۷۳/۲ع).

مجنون رفیقی شطرنج منظوم خود را بنام «شاه شمرخ تاجور» سروده است (نشریه ۶: ۶۵۳). فرصت شیرازی هم بنام ناصرالدین‌شاه در ۱۲۹۱ شطرنجیه ساخته است (ادبیات تهران ۲: ۲۶، آصفیه هند ش ۳۹۵ ج ۳ ص ۷۱۸، نسخه ش ۱۱۲۳ دکتر حسین مفتاح).

هدایة الله لسان الملك المورخین از درباریان قاجار در رساله‌ای بنام حرمة الشطرنج از قواعد بازی شطرنج یاد کرده و آنرا بنام مظفرالدین‌شاه و میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان ساخته است (نسخه ش ۳۲۴ فارسی کتابخانه ملی تهران مورخ ۱۳۱۳ یاد شده در فهرست آقای انوار: ۳۱۸ - نسخه ۲۰۴۶ مجلس مورخ صفر ۱۳۱۳ یاد شده در فهرست ۶: ۴۵).

از عارفان علاءالدوله سمنانی (۶۵۹-۷۳۶) رساله شطرنجیه دارد در سلوک عرفانی بزبان شطرنج، نسخه‌ای از آن در مجلس هست (ش ۵۱۸۰/۳۲ فهرست ۱۵: ۳۳۴) و در آستان قدس ش ۲۰۶ اخلاق (۶: ۴۴۱)

و فیلم شماره ۲۲۵۳ دانشگاه تهران از روی آن (فهرست فیلمها ۱: ۶۵۹). اینجا ما بیاد شطرنج العرفاء می‌افزاییم که در فهرست دانشگاه شناخته‌ایم (۴: ۱۰۵۰).

رسده ۱۰ و ۱۱ نیز نامه‌هایی نوشته شده است مانند :

۱ - دعوت خان احمدخان از استاد زیتون خنیاگر از تولم بهرشت (منشآت ش ۵۶۴۵ دانشگاه تهران ش ۱۲ گ ۲۰).

۲ - حکم سرکاری و کلاتری سازنده‌ها و نوازنده‌ها برای همین استاد زیتون و حکم سپهسالاری تولم برای وی از همو (منشآت او : ش ۸۰ و ۳۳۰۱/۷۹ دانشگاه).

۳ - حکم سرکاری محمد مؤمن عودی برای سازنده‌ها از همو (منشآت او : ش ۳۳۰۱/۴۹ دانشگاه).

۴ - پاسخ‌نامه قوالان رودسر به خواجه کمال رودسری (همان منشآت ۳۳۰۱/۵۳).
در پایان همایون‌نامه شهاب منشی نسخه آقای سلطان‌القرائی به سه نامه دیگر بر خورده‌ام که باید از همین زمانها باشد :

۱ و ۲ - نامه بی‌عنوان با اصطلاحات موسیقی (دوتا) .

۳ - رقعۀ میرصدرالدین گویا همان محمد سیفی قزوینی مؤلف رساله در علم موسیقی که بیکی از ارباب نغمه نوشته و فرستاده است (دوبار) .

۳ - تجوید و قرائت قرآن کریم که بانوعی موسیقی همراه بوده و بسیاری از موسیقی‌دانهای ایرانی و اسلامی لقب حافظ داشته‌اند و خواجه کلان خراسانی می‌گوید که در اثنای حفظ کلام قیوم گاه در ترنم موسیقی اقدام می‌کردم ، همچنانکه خود مصحف را با منعی که در آغاز شده بوده است میکوشیده‌اند که با خطی خوش بنویسند و با زر و رنگهای دیگر بیاریند و در جلدی زیبا بگذارند و در آن انواع هنر بکار برند ، همچنانکه مساجد و مزارات که پرستشگاه و نیاز خانه است خود جلوه گاه هنر شده بود با اینکه از آراستن مساجد نهی کرده بودند ، همین مساجد و مزارات است که باستان‌شناسان بدانها از رهگذر هنری می‌نگرند .

۴ - سوگواری مذهبی و مناقب‌گویی و فضایل‌خوانی که به طبع با ریزه‌کاریهای هنر موسیقی و نوعی رقص دست بند توأم شده بوده است بلکه این اواخر به شمایل‌گردانی نیز می‌پرداخته‌اند .

۵ - بررسی علمی محض که بسیاری از دانشمندان تنها بهمین جهت به فرا گرفتن این علم می‌پرداختند و از این رهگذر آن را مانند شطرنج و نرد روا میدانسته‌اند اگرچه در عمل با آن سروکاری نمیداشته‌اند اینست که دانشمندان‌آشنای به فلسفه ضمن کتاب مبسوط یا در رساله جداگانه از آن بحث می‌کرده‌اند مانند ابن‌زبیله که کتابی در موسیقی دارد بنام « الکافی فی الموسیقی » (تاریخ الموسیقی فارمرص ۲۰۹) و خیام را هم رساله‌ایست (فهرست فیلمهای دانشگاه ص ۴۴۵) و فخرالدین محمد خجندی در پیرامون سخن ابن‌سینا در قانون که نبض را طبیعت موسیقاری است رساله‌ای ساخته و در آن از نسبت موسیقی گفتگو داشته است (فهرست دانشگاه ۶ : ۲۲۳۵) .

۶ - سماع صوفیان که در تکایا و زوایا و خانقاه‌ها اجراء می‌کرده‌اند و آن بانوعی موسیقی و رقص توأم بوده است همچنانکه نشانه‌هایی از نقش‌ونگار و شمایل‌سازی هم در خانقاه‌ها می‌بینیم و در ایشان جهان گرد و جوان‌مردان و برناپیشگان به ورزش و کشتی‌گیری و علم‌داری نیز می‌پرداخته‌اند . صوفیان و عارفان در کتب خویش از سماع و فوائد آن بحث می‌کرده‌اند . در اللمع و القشیریة و کشف‌المحجوب و احیاء العلوم و کیمیای سعادت و جزاینها این بحث را می‌خوانیم .
علاءالدوله سمنانی رساله‌ای در سماع دارد (فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۱۱۹۳) در «الموسیقی الشرقیة و الغناء العربیة» تألیف قسطنندی رزق (چاپ قاهره در ۴۳ - ۱۹۳۶ ج ۱ ص ۱۰۰) چنین آمده است که سلف صالح به دلیل روایت‌های نبوی غناء و سماء آلات لهو را روا میدانستند .
آنگاه فصلی از مقدمه ابن‌خلدون در آن نقل شده است که از رهگذر تاریخ موسیقی اسلامی بسیار سودمند است . درباره این مسأله می‌توان به کتاب احیاء العلوم غزالی (۲ : ۲۶۶) و کیمیای سعادت او و المحجة البیضاء فی احیاء الاحیاء فیض‌کاشانی (۱ : ۳۶۱) نگرست و در کتابهای فقهی شیعی هم از آن بحث شده است .

من در اینجا از چند کتاب که در آنها از غناء بحث شده است یاد میکنم :

- ۱ - رساله فی الغناء : محمد باقر محقق سبزواری در گذشته ۱۰۹۰ (دانشگاه ۱/۴/۳۵۱۴ - سپهسالار ۱۳/۸۱۹۰ فهرست ۵ : ۳۵۲) .
- ۲ - رساله فی الغناء : مولی اسماعیل بن محمد حسین مازندرانی خواجه‌بوی اصفهانی در گذشته ۱۱ شعبان ۱۱۷۳ در رد محقق سبزواری بعبی (ذریعه ۱۶ : ۶۰ - ملك ۱/۵۹۱) .
- ۳ - رساله فی الغناء : فیض کاشانی که میگوید آنرا تجویز میکند (ذریعه ۱۶ : ۶۲) .
- ۴ - اعلام الاحیاء فی حرمة الغناء میر محمد هادی فرزند میر لوحی حسینی سبزواری در یک مقدمه و پنج فصل و یک خاتمه بفرسی که گویا رد رساله منسوب به فیض است (مجلس ۱۷ : ۱۲۴ ش ۱/۵۶۷۲ - ملك ۲/۵۹۱ - فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۱۲۹۲) .
- ۵ - فوائد السماع ، محمد علی حزین لاهیجانی ، بفرسی (ملك ۲۱/۴۰۵۷) .
- ۶ - ایقاظ النائین و ایعاط الجاهلین : سید محمد ماجد حسینی بحرانی درباره غناء در یک مقدمه و دو مقصد (ذریعه ۲ : ۵۰۵) .
- ۷ - رساله فی الغناء : میرزا ابراهیم بن میرزا غیاث‌الدین محمد خوزانی اصفهانی قاضی‌عسگر نادرشاه در رد آن (ذریعه ۲ : ۵۰۵) .
- ۸ - رساله فی الغناء : سید محمود خوانساری زنده در ۱۲۰۷ (دانشگاه ۵ : ۱۸۹۲) .
- ۹ - رساله فی الغناء : میرزا ابوالقاسم گیلانی قمی .
- ۱۰ - رساله فی الغناء : آقا محمد علی کرمانشاهی در گذشته ۱۲۶۹ که در محرم ۱۲۶۳ ساخته است (ذریعه ۱۶ : ۶۲) .
- ۱۱ - رساله فی الغناء : سید محمد کاظم رشتی که به درخواست واعظی اصفهانی بفرسی ساخته است (ملك ۳/۳۰۴۸) .
- ۱۲ - رساله فی الغناء : میرزا عبدالرزاق بن علی رضاین عبدالحسین قزوینی اصفهانی همدانی حایری واعظ ، زاده ۱۲۹۱ (ذریعه ۱۶ : ۶۲) .
- ۱۳ - رساله فی الغناء : نظر علی طالقانی تهرانی در گذشته ۱۳۰۶ در خراسان (ذریعه ۱۶ : ۶۲) .
- ۱۴ - رساله فی الغناء : محمد هادی تهرانی در گذشته ۱۳۲۱ در تجویز غناء (ذریعه ۱۶ : ۶۲) .
- ۱۵ - رساله فی الغناء : محمد رسول کاشانی (۷۵۶۴/۵ ، ۵ : ۳۵۳) .
- ۱۶ - رساله فی الغناء : ابوالمجد آقا رضای اصفهانی در گذشته ۱۳۶۱ (ذریعه ۱۶ : ۶۲) .
- ۱۷ - ازاله القناع عن وجوه السماع (ایوانف ۲ : ۳۱۹) .
- ۱۸ - اثبات سماع الغناء (ایوانف ۲ : ۳۳۹) .
- ۱۹ - تنبیه العاقلین و تذکیر العاقلین : شیخ علی عاملی اصفهانی در تحریم غناء .
- ۲۰ - مقامات السالکین که مؤلف نام خود را به رمز آورده و در آن یک مقدمه و دو فصل و یک خاتمه گذارده است . مؤلف در آن از شیخ بهائی و سید داماد و محمد امین استرآبادی و فیض کاشانی و مولی حسن فاضل گیلانی قمی یاد میکند و غنا را مباح میداند و یکی از دلایل او سماعی است که در مجلس شیخ صفی و شیخ زاهد و پیروان آنان میکرده‌اند . وی میگوید که من رساله وجدیه‌ای دارم پیداست که او یکی از اخباریان و فقیهان و متکلمان و عارفان درباری زمان صفویان است (دانشگاه ش ۵۷۰۲ ش ۲۰۲ نفیسی - فهرست فیلمها ۱ : ۲۰۲) .
- ۲۱ - مقامات السالکین : ملا شاه محمد بن محمد دارابی شیرازی متخلص به شاه و دارابگردی و مؤلف تذکره شعراء و لطیفه غیبی در شرح دیوان حافظ میان سالهای ۱۰۳۸ و ۱۰۴۳ ، قطب‌الدین محمد نیریزی در فصل الخطاب از او یاد میکند (ذریعه ۴ : ۳۸ و ۹ : ۴۹۷ و ۱۸ : ۳۱۷ و ۳۲۶ - فرهنگ سخنوران ۲۸۹ - فهرست دانشگاه ۴ : ۴۳۲) .
- نسخه‌ای از آن در موزه بریتانیا هست (Or 11005) و در مصطلحات موسیقی است

و آراء دانشمندان اسلامی در روایی و ناروایی غنا و موسیقی با دیباچه‌ای شیوا از مولانا خداداد (در ۱۱ ص) مورخ ۵ - ۱۱۰۴ در ۵۸ برگه . (فهرست اونس ص ۳۳ - نشریه ۴ : ۶۶۰) .
 در فهرست ابن‌الدبیم و الاغانی ابوالفرج اصفهانی و کتابهای ادب و تاریخ بنام بسیاری از موسیقی‌دانان و مغنیان و نوازندگان بر میخوریم و میتوانیم از روی آنها سرگذشت آنان را تدوین کنیم . دشواری کار در تدوین تاریخ موسیقی سده هشتم به بعد است که مدارک کافی در دست نیست جز اینکه مطالب پراکنده‌ای را که در لابلای کتابها هست گرد بیاوریم و چنین تاریخی را بنویسیم به مثل در اینجا من از چند مدرک نام می‌برم :

در روضه‌المنفاه و حبیب‌السیر بنام چند موسیقی‌دان و خنیاگر بر میخوریم . در روضات‌الجنان اسفزاری (ص ۹۳ ج ۲) از خواجه رضوان‌شاه و عبدالقادر مراغی یاد شده است .
 در تحفه سامی از اینان یاد میشود :

۱ - بنائی هروی خوشنویس خوشخوان .
 ۲ - حافظ باباجان تربتی خوشنویس نقار استاد و زرافشاننده در استخوان و سازنده عود و شترغو .

۳ - حافظ مجلسی تبریزی خوشنویس نقار و نوازنده قانون و شترغو .

۴ - استاد دوست‌محمد عودی سازنده هروی .

۵ - عاشقی ارنه‌ای سیستانی شاعر نقاش ادوار بند .

۶ - عشرتی قلندر صحاف آگاه به علم ادوار .

۷ - ملک قزوینی یا تبریزی خوشنویس شاعر موسیقی‌دان .

۸ - میرشریف هروی خوش‌آواز موسیقی‌دان .

۹ - حافظ خوگره فراقی تبریزی نقاش خواننده شاعر .

۱۰ - محب‌علی نابی هروی خوشنویس .

همچنین از چند قصه‌خوان در آن یاد میشود که از موسیقی نمی‌بایستی بیگانه باشد (فهرست نامها) .

در عالم‌آرای عباسی یاد میشود از :

۱ - استاد حسین شوشتری بلیانی سرنایی .

۲ - استاد اسد سرنایی نقارخانه همایون .

۳ - حافظ احمد قزوینی .

۴ - حافظ جلالجل .

۵ - حافظ مظفر قمی عراقی خواننده بروش خراسانی .

۶ - حافظ هاشم خواننده .

۷ - میرزا کمانچه‌ای سازنده عود نواز .

۸ - محمد مؤمن عودنواز سازنده .

۹ - شاه‌سوار طنپوری چهار تارنواز .

۱۰ - شمس‌شترغوهی مصنف .

۱۱ - استاد معصوم کمانچه‌ای سازنده ورامین .

۱۲ - استاد سلطان محمود طنپوره‌ای مشهدی .

۱۳ - میرزا طنپوره‌ای نوازنده طنپور در عراق .

۱۴ - استاد سلطان محمد جنگی .

۱۵ - حیدر قصه‌خوان .

۱۶ - محمد خورشید اصفهانی قصه‌خوان .

۱۷ - فتحی شاهنامه‌خوان و خواننده برادرش .

در جامع مفیدی (۳ : ۴۴) یاد میشود از : امیر سیدعلی میرصوتی .

در بهجت‌الروح از چند موسیقی‌دان یاد میشود (فهرست‌نامه‌ها) مانند سعدالدین محیی‌آبادی، شمس‌الدین کازرونی، کمال‌الدین کازرونی، سیدفخرالدین، سیدحسین اخلاطی، شیخ نجم‌الدین مؤلف فصوص روحانی.

در گلدسته اندیشه وقاری طبسی یزدی سرگذشت برخی از موسیقی‌دانها هست (ش ۵۸، و ۳۰۲ دانشگاه).

در رستم‌التواریخ (ص ۳۴۰ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱) از هنرمندانی یاد شده که از میان آنها میتوان نام چند خواننده و خنیاگر را یافت.

در طریق‌الحقایق (۳: ۱۹۳) آمده است که میرزا محمد مشتاق‌علی شاه‌ترتبی خراسانی دکنی پسر میرزا مهدی ظهورعلی‌شاه اصفهانی و کشته ۲۱ رمضان ۱۲۰۶ و ورزش‌کار و موسیقی‌دان بوده و «تاریخ‌تجدد» داشته است.

در فهرست‌نامه‌های مجلد نهم ذریعه (ص ۶ - ۱۵۵۵) هفتاد و هشت شاعر موسیقار (موسیقی‌دان) برشمرده شده که سرگذشت آنان در این مجلد در جاهای خود آمده است.

دانشمند ارجمند آقای محمد محیط طباطبائی از جنگی یاد میکند که در آن سه رساله بوده و برداشته‌اند (مجله موسیقی س ۳ ش ۱۰ و ۱۱ ص ۲۲ - ۲۴).

۱ - رساله‌الموسیقی لامیر صدرالدین القزوینی (که پس ازین خواهیم آنرا شناخت).
۲ - رساله‌اخری للحسین بن محمد المنشی‌الجنابدی (گویا پسر مؤلف تذکره‌النغم که

پس‌ازین خواهیم دید).

۳ - حل مشکلات دیوان انوری از میرزا الغیبک، در این مجموعه بنوشته ایشان نامه کوتاهی است از سلطان‌علی مشهدی به سلطان حسین میرزا که او را به باغ نورا خوانده بوده است. در این نامه از این موسیقی‌دانها و هنرمندان یاد میشود که در آن باغ بوده‌اند:

سید نجم‌الدین عودی، شاه درویش‌نایی، شهاب دمکش، حافظ صابرقاق، صاحب محنت، خواجه شادی شاه، مولانا یقینی، مولانا غیاث‌الدین مذهب، خواجه عبدالله قاطع، ماه‌پاره مجلد، سید بابای افشانگر، شکر چارتاری، ایثار بیگ‌ینی از مقبولات، خواجه ایغور وزیر، قاسم بیگ برلاس، امیرزاده، طوفان بیگ بهادرخان، سلطان‌خان جلایر، حورثراد شاه‌خانم مهرطلعت از محبوبان، شاه‌ناز خاتون نغمه‌سرای، حواماری صاحب صوت، امیر شیخ سهیلی، امیر ملک جوینی، خورشید خانم بزم‌آرای. چنین بزمی هم در چهار باغ پرزه هرات برگزار شده بود و از آن یاد خواهیم کرد.

درباره کتابهای موسیقی نگارنده در فهرست دانشگاه (۳: ۱۰۳) اندکی بررسی کرده‌ام. در مجله موسیقی (۱۱۰: ۱۵) مقاله‌ایست از آقای حسین‌علی ملاح درباره نسخه‌های خطی رسالات عربی موسیقی کتابخانه بادلان که از فهرست فارمر Farmer بهره‌برده است. ایشان در همین مجله (۱۱۶: ۸ و ۱۱۷: ۲۴) باز مقاله‌ای دارند درباره صاحبان رساله‌های موسیقی از روی سخنان فارمر و افزوده‌هایی از خود ایشان و در آن از گروهی موسیقی‌دانهای اسلامی که به عربی رساله نوشته‌اند یاد شده است.

آقای منوچهری باستانی در همین مجله (۵: ۱۰۴ - ۲۹ - ۳۶) مقاله‌ای دارد و در آن از نسخه‌های شماره‌های ۱۵۲ و ۵۶۵ و ۲۹۱۱ و ۲۹۱۳ و ۲۹۳۱ و ۲۹۴۱ مدرسه سپهسالار و شماره‌های ۶۰۰ و ۶۲۶ و ۲۲۰۷ و ۲۲۱۱ و ۲۲۱۳ کتابخانه مجلس بررسی نموده است. در یادداشت‌های قزوینی (۷: ۱۶۲ و ۲۲۹) نکاتی درباره موسیقی آمده است.

برشمردن کتابهای موسیقی عربی رشته‌ایست که سری دراز دارد و باید به فهرست بروکلن و دائرةالمعارف اسلامی و آثار فارمر و سخنان خاورشناسان دیگر و رساله‌هایی که چند سال پیش دانشمندان عراق نشر کرده‌اند نگریم.

نگارنده در اینجا از باره‌ای از آثاری که بفارسی نوشته شده است یاد میکنم:
۱ - دانشنامه علانی: ابن‌سینا، بخش موسیقی در تألیف و ایقاع (فهرست مهدوی ص ۱۱۱۳).

۲ - رساله در موسیقی : محمد بن محمود نیشابوری در ده فصل ، من این را از روی تنها نسخه شماره CI 612/2 آکادمی علوم شوروی (فهرست فیلمها ص ۶۲۵) در «هفتادسالگی فرخ» (ص ۹۹ - ۱۰۳) چاپ کرده ام .

۳ - بندی در موسیقی از افضل الدین کاشانی ، در گذشته ۶۱۰ که در مصنفات او چاپ شده است (ص ۶۵۳) .

۴ - حدائق الانوار یا جامع العلوم امام فخرالدین تبرستانی رازی (دبیاچه بواقیت العلوم از نگارنده) .

۵ - مجمل الحکمة که ترجمه گونه و گریده ایست از الرسائل اخوان الصفاء و خالان الوفاء و باید پیش از ۶۰۸ بنگارش در آمده باشد (همان دبیاچه) . .

۶ - درة التاج لغرة الدباج : قطب الدین شیرازی که در ۶۷۴ ساخته است و موسیقی آن در یک مقدمه و پنج مقاله هر یک چند فصل و مبحث و خاتمه است . وی در آن از فارابی طرفداری نموده و سخنان ارموی را در خرده گیری از او رد کرده است .

اوراست شرحی بر الشرفیة صفی الدین عبدالمؤمن ارموی (مقاصد الالحان ص ۵۳ و ۵۸ و ۶۲) که باید به عربی باشد .

۷ - نفائس الفنون و عرائس العیون : شمس الدین محمد آملی که در ۷۳۵ - ۷۴۲ ساخته و موسیقی آن در پنج باب است . در آن از سخنان صفی الدین عبدالمؤمن ارموی در الشرفیة خورده گیری شده آنچنانکه در موسیقی درة التاج می بینیم (همان دبیاچه) .

۸ - رساله در موسیقی امیر خسرو دهلوی ابوالحسن بن امیر سیف الدین محمود لاجین هزاره ای بلخی (۶۵۱ - ۷۲۵) شاعر فارسی زبان و مؤلف قانون استیفاء که در نشر هنر موسیقی کمک کرده و قولان هند او را استاد خویش میدانسته اند .

وحید میرزا در سرگذشت او کتابی دارد بنام *The life and works of Amir Khusrow by Wahid Mirza* که در کلکته بسال ۱۹۳۵ جزو نشریات دانشگاه پنجاب بچاپ رسیده است . محمد حبیب هم کتابی درباره او دارد . من نتوانستم در تهران هیچیک از این دو را بینم گویا وحید میرزا درباره این رساله بحثی کرده باشد . در ادبیات فارسی استوری (۱ : ۴۹۵) و دبیاچه سعید نفیسی بر دیوان او (ص ۱۲) و مجله مهر (۸ : ۲۹) و فهرست دانشگاه (۲ : ۱۸۱) و مجلس (۳ : ۱۸۸) آثار او بر شمرده شده است ولی نسختی از آن نشان نداده اند . در فهرست های دیگر هم تا آنجا که گشته ام سراغی از آن نگرفته ام و نه از قانون استیفاء که باید جز رسائل الاعجاز او باشد .

۹ - ترجمه ادوار : قاضی عمادالدین یحیی بن احمد کاشانی ادیب ریاضی دان شیعی که به فرمان جمال الدین ابواسحاق اینجو (۷۴۳ - ۷۵۸) متن صفی الدین ارموی را در آن بفارسی برگردانده و در چاشت روز دوم محرم ۷۴۶ آن را بپایان برده است (فهرست فیلمها ص ۱۷۴ و ۳۷۱ و ۴۲۶ و ۷۷۷ - ادبیات ۳ : ۶۱ - دانشگاه ۴۲/۲۴۰۱) .

آغاز : حمد سیاس و درود بی پایان لایق حضرت مالک الملکی باشد که اگر در آن به هزار دستان بیان ساز مدح و ثنا نوازد و نعمات آفرین ودعا بردارد و در تألیف سخن و ایقاع سحر پیمایی ید بیضا نماید . . . قاصر آید . . . فصل اول در تعریف نغمه و بیان حدت و ثقل . . . فصل پانزدهم در مباشرت عمل .

انجام :

تحریر این رساله به فرمان آن شاهی
روز دوم ز ماه محرم زمان چاشت
کز دولتش امور جهان با نظام شد
در سال هفتصد و چهل و شش تمام شد
بحمدالله و حسن توفیقه و الهدایة الی سواء طریقته .

نسخه ها :

۱ - مجلس ش ۲۲۰۷ (۶ : ۱۶۸) .

۲ - برلین Or 2854 (فهرست هیئتس ش ۲۵۵) .

۱۰ - کنزالتحف: رساله ایست در فن موسیقی و در آن از سید غیاث الدین حسینی در مقدمه ستایش شده است و چنین است فهرست آن:
مقدمه در بیان شرف این صناعت بر سایر صناعات و سبب تألیف این رساله و داستان سفر مرموز فکر و خیال.

مقاله ۱ در علمی موسیقی در دو قسم:

۱ - در حدود و تعریفات موسیقی.

۲ - در علت اسباب حدت و ثقل و عوارض.

مقاله ۲ در علمی موسیقی در دو قسم:

۱ - در تعریف عود و تسویه اوتار آن و استخراج ادوار و آوازه از آن.

۲ - تشریح ایقاعات سبعة مشهور و انتقال سخن.

مقاله ۳ در تصنیع سازات و تعدیل آن.

مقاله ۴ در وصیتی که طالبان این فن را بکار آید و بیان اشعاری که مناسب تألیفات باشد

با شعرهای سعدی در اینجا. چنین است ماده تاریخ آن:

آن روز که احوالات جهان مهمل بود در آخر این رساله ام مدخل بود

اندر سنه « ل ج ذ و بو » بیست و دوم جمادی اول بود

که گویا ۲۲ ج ۱/۷۵۶ از آن خواسته شده باشد ولی ۷۴۱ و ۷۴۶ و ۷۴۹ و ۷۶۴ و ۷۸۹ هم گفته اند. از نسخه های آن در فهرست لیدن (۳: ۳۰۲) و ذیل ریو (ص ۱۱۵ ب) و دیوان هند (ش ۲۷۶۳ مورخ ۱ ذ ق ۷۸۴) یاد شده است. ریو به نسخه Or 2361 هم اشاره کرده است.

آغاز: شکر و سپاس بی حد و قیاس سزاوار حضرت آن پادشاهی که در سر پرده عظمتش

۱۱ - خلاصه الافکار شهاب الدین عبدالله صیرفی خنیاگر خوشنویس که در آن الادوار

ارموی را شرح کرده و آن را بنام سلطان اویس (۷۵۷ - ۷۷۶) ساخته است.

خواجه عبدالله بن محمود صراف صیرفی تبریزی در گذشته ۷۴۲ مؤلف اصول ختلوط سته

یا رساله خط هم داریم (هنر و مردم ۷ - ۸۶: ۳۳) من نمیدانم ایندویکی اند یا نه (فهرست دانشگاه ۳: ۱۰۷).

۱۲ - فریدالزمان فی معرفة الالحن، در موسیقی ایرانی، از مؤلف غنیه المنیه و پیش از

آن و به درخواست فرمان روای گجرات امیر شمس الدوله والدین ابراهیم حسن ابورجاساخته شده است.

نسخه: فهرست سرفراز علی رضوی ص ۶۶ (انجمن ترقی اردو، پاکستان).

۱۳ - غنیه المنیه: در موسیقی هندی که در زمان ابوالمظفر فیروز شاه (فیروزالدین تغلق

۷۵۲ - ۷۹۰) بسال ۷۷۶ بدرخواست فرمان روای گجرات امیر شمس الدین والدین ابراهیم حسن

ابورجا ساخته شده و ترجمه ایست از سانگیت درین که بزبان سنکریت است. مترجم می نویسد که

من بدرخواست همو اندکی پیش ازین فریدالزمان فی معرفة الالحن را که در موسیقی ایرانی است

بفارسی برگردانده ام، پس باید اصل فریدالزمان عربی باشد.

این رساله در دو قسم است:

نخستین در دو باب:

۱ - در معرفت سرود در چهار فصل.

۲ - در معرفت مزامیر در دو فصل.

دومی در دو باب:

۱ - در بیان رقص.

۲ - در شرایط و آداب مجلس سرود و اصحاب محاسن و معایب بعضی اصحاب و جز آن

در هشت فصل.

نسخه: دیوان هند ۲۰۰۸ با تصاویر.

۱۴ - شرح الادوار : لطف‌الله‌بن محمدبن محمودبن محمدبن اسعد سمرقندی که در ۷۹۸ بنام امیرزاده سیدی به‌فارسی ساخته‌است .
نسخه‌ها :

۱ - ملك ش ۱۶۴۷ نستعلیق سده ۱۴ ، آغاز وانجام افتاده .
۲ - دكتور وصال در شیراز مورخ رجب ۹۵۴ (نشریه ۵ : ۲۹۳) .
۱۵ - ترجمه الادوار ارموی ، درست ترجمه است و دیباچه‌ای ندارد .
آغاز : بسمله . بعد از سیاس و ستایش حق جل‌وعلا و درود پاك مقدس بر روان پاکان و برگزیدگان . . . فرموده کسی که امتثال او امرش بر من واجب است و تیمن به سعی در مرادهای خاطرش تا مختصری در شناخت نعمها و سبب ابعاد آن .
انجام : براین اکتفاء کنیم در این فن والحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد وآله اجمعین .

نسخه : ملك ۸۳۱/۲ نخ سده ۱۰ و ۱۱ (شماره ۱ آن متن الادوار است ، نستعلیق حسن‌بن احمدبن علی در روز شنبه ۲۲/۹۸۴ و این یکی باید به‌خط دیگر باشد) .
۱۶ - جامع‌الالحان از عبدالقادر بن غیبی حافظ مراغی حافظ خوشنویس شاعر موسیقی‌دان گوینده مورخ محرم ۸۰۸ و ۹ محرم و ۱۱ صفر ۸۱۶ ، در يك مقدمه و دو اوده باب و خاتمه که در فهرست بادلیان (ستون ۱۰۵۷) و صف آن آمده است . مجالسی که در عرفات العاشقین از آن نقل شده‌است باید همان باشد که در خاتمه این کتاب دیده میشود (مقاصدالالحان ص ۳۰ و ۳۵ و ۱۷۴ - فارمر در دائرةالمعارف اسلامی - فهرست فیلمها ص ۲۶۱) آغاز آن مانند زبدهالالحان است ، اوراست کنزالالحان که در مقاصدالالحان از آن یاد کرده است ، ولی بگفتند فارمر نسخه‌ای از آن درست نیست . (دانشمندان آذربایجان ص ۲۵۸)
چنین است فهرست مطالب آن :

مقدمه در تعریف موسیقی و کیفیت حدوث صناعت موسیقی و موضوع و مبادی آن و در آنکه علت غائی این فن چیست .

باب اول در تعریف صوت و نغمه و سبب وصول آنها به سامعه و بیان اسباب حدوث و ثقل .
باب ثانی در تقسیم دساتین به طریق صاحب ادوار از وتر واحد و به طریق دیگر که از آن طریق مقدار بعد بقیه و نسبت حاشیتین آن روشن شود .
باب ثالث در بیان ابعاد و ذکر نسب آنها و اضافات ابعاد بعضی بد بعضی و فصل ابعاد بعضی از بعضی و تقسیم هر بعدی به قسمی متساوین و بیان اسبابی که موجب تنافر باشد .
باب رابع در ذکر بعضی از اصناف اجناس و نسب ابعاد و اعداد آن و تألیف ملایم از اقسام بعد ذی الاربع و بعد ذی الخمس و ترتیب دوائر از اضافات اقسام طبقه ثانیه به اقسام طبقه اول .
باب خامس در حکم و ترین و ثلثه اوتار و اربعة اوتار که عود قدیم است و خمسة اوتار که عود کامل است و اصطحاب اوتار آنها با یکدیگر به طریق معهود .
باب سادس در بیان ادوار مشهور و طبقات ادوار و تعیین آوازا ت سته و آنچه مولانا قطب‌الدین شیرازی بر صاحب ادوار اعتراض کرده و جواب آنها که گفته‌ام و بیان شعبات بیست و چهار گانه .

باب سابع در اشتباه ابعاد بیکدیگر و اشتراك نغمات ادوار با یکدیگر و ترتیب اجناس در طبقات ابعاد عظمی و ذکر نسب و اعداد آنها .
باب ثامن در بیان ادوار مشهور در جمع تام چنانکه هر دایره با نظایر در آن مترتب شود و ذکر اسامی نغمات ملایمه به الفاظ عربیه و یونانیه .
باب ناسع در ذکر دساتین مستوی و منعکس و اصطحاب غیر معهود و طریق پیدا کردن ترجیعات .

باب عاشر در بیان قاعده گرفتنهای مشکل بر دساتین عود از متشابهات و مخالفات و تعلیم

خوانندگی به حلق و ذکر ترکیبات قریب الفهم و بعید الفهم و بیان تحریرات که از اجزای حلق حاصل شوند و ذکر اسامی و مراتب آلات الحان .

باب **حادی عشر** در ادوار ایقاع به طریق قدما و چنانکه درین زمان مستعمل و متداول است و ذکر اصول و فروع ادوار ایقاعی که مخترع این فقیر است و ذکر دخول تصانیف .

باب **ثانی عشر** در تأثیر نغم ادوار و ذکر اصابع سته و طریق قدیم و مباشرت عمل و طریقه ساختن تصانیف در عملیات این فن .

خاتمه در آنکه مباشران این فن چگونه رعایت آداب مجالس کنند و در آنکه در هر مجلس مناسب آن مجلس خوانند و قاعده ممارست درین فن و طریقه تلحین معول و اسامی کوکهای ایشان و ذکر اسامی مباشران این فن و بیان شدیدی که به عود در عمل آورند و با آن تلحینات و ترجیعات و نواختها کنند به نوعی که سامعان صاحب ذوق غالب شوق بگریند و بیخندند و در خواب شوند .
نسخه‌ها :

۱ - بادلیان ش ۱۸۵۲ ، نسخه اصل مراغی مورخ ۸۰۸ برای پسرش نورالدین عبدالرحمن و تجدید شده در ۸۱۶ .

۲ - نور عثمانی ش ۳۶۴۴ ، اصل مورخ ۸۱۸ بنام سلطان شاهرخ .

۳ - نور عثمانی ش ۳۶۴۵ ، به خط نستعلیق بنام سلطان شاهرخ .

۴ - در بادلیان گزیده آن از خود مراغی و مورخ ۸۲۱ برای بایسنغر هست .

۵ - ملك ۶۳۱۷/۲ گ ۱۵ پ - ۱۶۲ پ ، از سده ۱۱ ، انجام افتاده ، در دیباچه

کتر الالحان نامیده شده ولی آغاز آن مانند زبده الادوار و جامع الالحان است و فصول آن مانند جامع الالحان .

۱۷ - مقاصد الالحان : کمال الدین عبدالقادر بن غیبی حافظ مراغی (۷۵۴ - ۸۳۷) که

بنام سلطان مرادخان عثمانی (۸۲۴ - ۸۵۵) و بنام امیر بایسنغر پسر شاه رخ در گذشته ۸۳۷ در روز آدینه ۲۱ شوال ۸۲۱ در یک مقدمه و دوازده باب و یک خاتمه ساخته و بیشتر از درة التاج قطب شیرازی گرفته است . در آن از صفی الدین عبدالمؤمن ارموی و خواجه رضوان شاه و شمس الدین سهروردی و علی سنایی و حسن زامر و حسام الدین قتلغ بوغا از موسیقی دانها یاد شده است (فهرست فیلمها ص ۲۰۲ - گفتار فارهر در دائرة المعارف اسلامی بفرانسه چاپ دوم - چاپ تقی بینش در تهران در ۱۳۴۴) .

نسخه‌ها :

۱ - نور عثمانی ۳۶۵۶ مورخ ۹۰۳ .

۲ - آستان قدس ۱۶۳ مورخ ۱۲ رمضان ۸۲۱ ، فهرست ۳ : ۳۵ .

۳ - بادلیان ۱۸۴۳ مورخ ۲۱ شوال ۸۲۱ که با نسخه دوم همین جا کمی جدایی دارد .

۴ - بادلیان ۱۸۴۴ مورخ روز سه شنبه ۳ محرم ۱۰۷۷ در اکبر آباد و مقابله شده در همین شهر و نوشته از روی نسخه مورخ ۴ رمضان ۸۴۲ برای شاه قباد بن عبدالجلیل حارثی بدخشی ، مقدمه ای دارد که در آن روایاتی آمده از پیغمبر در وصف آواز خوش با خاتمه ای نزدیک به خاتمه جامع الالحان و در آن آمده که بیشتر از درة التاج گرفته شده و کتاب ناظر بآنست .

۵ - لیدن ۳ : ۵ - ۳۰۲ .

۶ - نسخه رئوف یکتاییک .

۷ - روان کوشکو ۱۷۲۶ ، نوشته محمد بن محمود بن الیاس (گویا پسر فقیه نجم شیرازی) در ۸۳۸ (فهرست طویقیو سرای ش ۲۷۹) .

۸ - ملك ش ۱۶۴۹ ، نستعلیق سده ۹ .

۹ - ملك ش ۸۳۲/۱ مورخ ۸۳۷ .

۱۰ - دانشگاه ش ۳۲۰۳ مورخ ۱۲۹۱ .

۱۸ - زبده الادوار : عبدالقادر بن غیاث الدین غیبی حافظ مراغی (۷۵۴ - ۸۳۷)

دریک مقدمه درسه فصل و یک مقاله در دو فصل و یک خاتمه دارای زواید و فواید در شرح الادوار ارموی .

او رساله زواید الفواید خویش را که پس از آن نگاشته بوده است بر آن افزوده است . چنین است فهرست آن :

مقدمه در سه اصل :

- ۱ - در معنی لفظ موسیقی .
- ۲ - در بیان موضوع موسیقی .
- ۳ - در بیان مبادی موسیقی .

مقاله در دو فصل :

- ۱ - در شرح ادوار و نعمات در چند فصل .
- ۲ - در شرح آواز ایقاعات تا فصل ۱۳ .

خاتمه مشتمل بر زواید و فواید در شرح فصل

او در آغاز آن از تعریف لحن سخن داشته و از فارابی نقل کرده و از الشرفیه ارموی و لوازم الموسیقی احمد بن جعفر بن الحسین بن علی بن احمد مدائنی حداد یاد نموده است . در پایان چنین آمده است که درین زمان شیخ عبدالرحمن مراغی و خواجه رضوان شاه تبریزی هستند، از پیشینیان از صفی الدین عبدالؤمن ارموی مؤلف الشرفیه و شیخ شمس الدین سهروردی جامع خط و موسیقی و علی ستایی و حسن زاهر و زیتون را یاد میکند (فهرست میکروفیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه ص ۱۲۹ - فهرست دانشگاه ۳ : ۱۰۷)

آغاز : و ماتوفیق الابالله العلی الکبیر . حمدی غایت و شکر بی نهایت قادری را که انواع موجودات را به کمال قدرت و تمام حکمت از عدم به وجود آورد .

انجام : به یمن همت مبارک او چنانکه دلخواه بود الحمدلله علی نعمائه .

پس از این عبارت جدول و دوائر است در ۳ ص به عنوان بیان الواح که از فولاد سازند . سپس فصل سادس از خاتمه در بیان طریقه شدودی که به عمل آورند و بآنها تلحینات گویند به نوعی که سامعان صاحب ذوق بگیرند و بخدمتند و بخواب روند تا میرسد به عبارت : « وقت عداوردن (؟) است استغفرالله العظیم » .

سپس وصف شدود و دائره‌ها است پس ازین در نسخه سپید رساله ایست به ترکی که در آن از صفی الدین عبدالؤمن ارموی و ابوعلی سینا و ناصر الدین فارابی و استاد کمال الدین یاد شده است . نسخه‌ها :

۱ - مدرسه سپهسالار تهران ش ۵۶۵/۱ (۵ : ۱۴۱) نوشته فتح الله بن ابی یزید شایرانی (شروانی) در روز یکشنبه ۲۶ شوال ۸۴۵ از روی خط مؤلف . او مترجم الانوار لاعمال الابرار اردبیلی است بفارسی و شارح التذکره طوسی پس از ۸۷۵ به عربی (دانشگاه ۴ : ۹۰۷ و ۵ : ۱۸۲۵) .
۲ - کتابخانه ملی ملک تهران ش ۱۴۷۶ ، نوشته ۱۶ صفر ۱۲۸۳ در نجف در قرائن جای تهران .

۳ - همانجا ش ۶۲۹۵ ، نسخ آغاز سده ۱۴ از روی خط همان شایرانی از روی خط مؤلف (همان ش ۵۶۵ سپه) .

۴ - کتابخانه ملی فرهنگ تهران (فیلم ش ۲۹۲۷ کتابخانه مرکزی) .

۵ - کتابخانه نورعثمانی در استامبول (فیلم ش ۴۹۱ همانجا) .

دنباله دارد